

صاحب‌دلی در خانقاه

(یادکردی از عالم بزرگ، ماموستاد ملاعبدالکریم مدرّس بیاره‌ای)

رضا دادگر*

چکیده

دین اسلام با تمام فرقه‌های ریز و درشت خود، عالمانی در دامن خویش پرورانده است که هر کدام مشعلی و دژی هستند که همیشه راهبر و راهنمای این امت حنیف بوده و هستند. ماموستاد عبدالکریم مدرّس یکی از عالمانی است که در نهایت گم‌نامی زندگی کرد و با کمال تواضع به تربیت شاگردان پرداخت و آثار گران‌بهایی از خود به یادگار گذاشت. این عارف وارسته از هر گونه تظاهر و خودنمایی‌ا با داشت و در گوشه‌ تنهایی خویش زیست و پس عمری طولانی دعوت حق را لبیک گفت. زندگی این مرد دانشی، هم‌چنان در هاله‌ای از ابهام مانده است که شناخت زوایای زندگی این مرد بزرگ می‌تواند راهنمایی جامع و مفید برای طلاب و دانشجویان باشد که در این راه قدم گذاشته‌اند. نویسنده با توجه به کمبود منابع، و در حدّ توان خود، به معرفی این مرد بزرگ پرداخته و علاوه بر شرح حال این عالم وارسته به مناسبتی در پانوشت‌ها نیز به احوال دیگر علمای گُرد اشاره کرده است. امیدست این مختصر فتح بابی بشود که اصحاب قلم به ویژه اندیشمندان کُرد به این مهم همت بگمارند.

* دادگر، تحصیل کرده حوزه و دانشگاه، محقق و پژوهشگر معارف اسلامی و کارشناس ارشد ادیان است و در زمینه ادیان و معارف اسلامی به تحصیل و تحقیق اشتغال دارد.

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَنَزَلَ الْعُلَمَاءُ بِدَعْوَةِ الشُّهَدَاءِ يَفْرَحُ مُنَادٍ الْعُلَمَاءَ عَلَى هَاءِ الشُّهَدَاءِ^۱

«صفحات زرین تاریخ اسلام، گواه بر این است که حکیمان الهی، فقیهان فرزانه، متلکمان اندیشمند، اصولیان نحیر، ادیبان هوشمند و عارفان بالله، همه و همه، مرثیه‌های ناسروده قرآن و سنت را سروده‌اند؛ شب‌های ظلمانی را با نور الهی به سپیده صبح گره زده‌اند. در پای چراغ معرفت با عشقی سوزان و بامداد اخلاص، ابواب فقهی و حکمی، کلامی، اصولی و ادبی را نگاشته‌اند تا اسلام سربلند باشد و بدین سان، اسلامیان را دلیل و راهنما گشته‌اند؛ انسان‌هایی که در همه لحظه‌های زندگی ارزشمندشان، بلند همت و آزاده بوده‌اند و با تنگی معیشت و فشار زمانه، شب از روز نشناخته و در راه کسب علم و نشر علوم اسلامی و حراست از باورهای دینی سخت کوشیده‌اند. در تمام مراحل حیات پرثمر خویش، قدمی از راه تقوا و زهد بیرون ننهاده‌اند و ستیز با بدعت‌ها و کج‌روی‌ها و دشمنان اسلام را سرلوحه اعمالشان قرار داده‌اند.

چه بسیارند کسانی که در سراسر عمر پربرکشان، خویشان را از لذایذ دنیوی محروم ساخته‌اند و اسلام را بامرکب قلمشان و یا با خون سرخشان حراست و پاسداری کرده‌اند.

یکی از عالمانی که عمری را در راه علم، دانش و عرفان سپری کرده و قدمی از مسیر تقوا بیرون ننهاده ملا عبدالکریم محمد مدرس بیاره‌ای است.

این عالم فرهیخته از سلسله جنابان علم و تقوا، از رهروان کاروان اندیشه زرینی است که در طول هزار و اندی سال با تمام تنگی معیشت در اقصا نقاط کردستان، پاسدار باورهای دینی خود بوده‌اند و همواره علمایی سترگ در این مناطق با گمنامی تمام زندگی کرده‌اند و در گستره زمان، دل به تبلیغ و تبیین مذهب خویش داده‌اند و ملتی را با خود هم‌سو کرده و هزاران تألیف و تصنیف از خود به یادگار گذاشته‌اند.^۲

عبدالکریم بن محمد بن فتاح بن سلیمان بن مصطفی بن محمد از عشیره هوزی قاضی بود که در روستای «تکیه» نزدیک مرکز ناحیه «خورمال» کردستان عراق در ربیع الاول ۱۳۲۳ق. به دنیا آمد.

در آغاز کودکی، پدر را از دست داد و تحت سرپرستی مادر و عموهایش شروع به تحصیل کرد و در سال ۱۳۳۱ق. بعد از ختم قرآن، کتاب تصریف زنجانی در علم صرف را آغاز نمود و

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۶.

۲. محمد (جلال‌الدین) ملکی، آشنایی با متون درسی حوزه‌های علمیه ایران: شیعه، شافعی، حنفی، ص ۳۷۷ - ۳۷۸.

تحت نظر یکی از دوستان پدرش مباحث مقدماتی صرف و نحو را از کتاب شرح جامی فرا گرفت. نخستین هجرت او جهت یادگیری دانش، هم‌زمان با جنگ جهانی اول به شهر سلیمانیه صورت گرفت که در مسجدها آکندی و بعد از آن مسجد ملا محمد امین بالیکدزی به فراگیری شرح سیوطی بر الفیة ابن مالک همت گماشت، لیکن به علت خشک‌سالی از سلیمانیه به شهر اورامان رفت و در مدرسه خانقاه «دورو»، که زیر نظر شیخ محمد علاءالدین نقشبندی^۱ اداره می‌شد، وارد گردید و شیخ او را مورد لطف و محبت خویش قرار داد. در آنجا شروع به فراگیری نحو، منطق، آداب بحث، تشریح، فلکیات و فقه نمود تا اینکه شیخ علاءالدین به خانقاه بیاره، که مرکز اصلی وی بود، نقل مکان کرد. عبدالکریم نیز بعد از مدتی به او پیوست و در مدرسه ابی‌عبیده، نزد استاد دانشمند و عالی‌قدر ملا محمد سعید عبیدی درس برهان کلبوی^۲ در منطق را آغاز کرد. بعد از چند ماه، به حلقه درس ملا محمود بالکی در بالک پیوست و طی هشت ماه، کتاب علم فرائض (ارث) شیخ معروف نودهی^۳ را به اتمام رساند و شرح عقاید نسفی^۴ را تا مبحث رؤیت فرا گرفت.

۱. تاریخ پیدایش طریقه نقشبندیه به قرن‌های نخستین اسلامی برمی‌گردد و در طول سده‌های گوناگون نام آن تغییر یافته است. مؤسس آن، خواجه بهاءالدین محمد بن محمد اویسی بخاری، مشهور به شاه نقشبند در سال ۷۱۸ ق. در روستای «قصر عارفان» در یک فرسنگی شهر بخارا متولد شد. وی گرچه دست‌پرورده سید امیر کلان (۷۷۲ ق.) بود، در واقع بیشتر از معنویت عارف بزرگ خواجه عبدالخالق غجدوانی بهره‌مند گردید. شاه نقشبند، سه اصل به اصول هشتگانه غجدوانی افزود و با الهام از روح او، مأمور به تلقین ذکر خفی شد و ذکر جهری را منسوخ اعلام کرد. شیخ محمد علاءالدین فرزند شیخ عمر ضیاءالدین بن شیخ عثمان سراج‌الدین نقشبندی است که به مقام خلافت و ارشاد این طریقه رسید.

۲. این کتاب اثر اسماعیل بن مصطفی بن محمود، معروف به شیخ‌زاده کلبوی می‌باشد که جزء متون درسی حوزه‌های علمیه مذهب شافعی در علم منطق به شمار می‌رود. نک: محمد ملکی، پیشین، ص ۴۱۲.

۳. شیخ معروف بن شیخ مصطفی بن شیخ احمد بن شیخ محمد برزنجی نودهی مشهور به «کبریت احمر» در روستای «نودی» از توابع سلیمانیه در سال ۱۱۷۵ ق. و بنابه نقل دیگر ۱۱۶۶ ق. به دنیا آمد. و به علوم معانی، بیان، بلاغت، علوم تفسیر، حدیث، تجوید و قرائت تسلط کافی داشته است. نک: عبدالکریم مدرس، دانشمندان کرد در خدمت علم و دین، ترجمه احمد حواری‌نسب، ص ۴۳۰ - ۴۳۷ و بابامردوخ روحانی (شیوا)، تاریخ مشاهیر کرد: عرفا، علما، ادبا، شعراء، ج ۱، ص ۳۴۷ - ۳۴۸.

۴. این کتاب اثر ابوحنیفه عمر بن محمد نسفی سمرقندی، ملقب به نجم‌الدین و معروف به مفتی الثقلین، متکلم، اصولی، فقیه، مفسر، ادیب و محدث قرن ششم، از علمای حنفی بوده است. العقائد النسفیة را علامه تفتازانی شرح کرد. از امتیازات این کتاب تضارب آرای کلامی ماتریدی، حنفی، شافعی و اشعری است. نک: محمد ملکی، پیشین، ص ۳۲۵ - ۳۲۶.

آن‌گاه دوباره به بیاره بازگشت و در درس ملا احمد ره‌ش^۱ شرکت کرد و شرح عقاید و منظومه مولوی^۲ را به زبان کردی به پایان رساند. و کتاب *مختصر المطول* را آغاز نمود. در همین ایام (ربیع الاول ۱۳۴۰ ق.) به همراه استاد خویش ملا احمد به سلیمانیه رفت و در خانقاه مولانا خالد نقشبندی^۳ ساکن شد. او به اصرار علامه شیخ عمر مشهور به ابن القره داغی^۴ در آنجا اقامت گزید چنان‌که خود صاحب ترجمه می‌گوید: «بعد از اقامتم نزد استاد «ابن القره داغی» افق‌های جدیدی برای کسب علوم و تحقیق و تدقیق و نوشتن حواشی و تعلیقات و تحقیقات بر روی من باز شد و مافات را جبران و علمی که برای من بسیار مهم بود تحصیل نمودم.»^۵

وی در نزد ابن القره داغی کتاب *اقصى الأمانة در علم بلاغت، الفریده سیوطی* را در نحو، کتاب *برهان* را در منطق، *تشریح الافلاک* با حواشی آن از عاملی، *رساله حساب و اشکال التأسیس* در هندسه، *تقریب المرام فی شرح تهذیب الکلام* در اصول دین، *جمع الجوامع* در فقه، *اصول فقه، اسطربلاب و ربع مجیب و حاشیه لاری بر قاضی* در حکمت با حواشی شیخ عبدالقادر

۱. ملا احمد ره‌ش در سال ۱۳۱۳ ق. در قریه «باش به رد» یکی از توابع شهر پنجوین به دنیا آمد و در سال ۱۳۷۳ ق.

بعد از عمری تدریس و ارشاد چشم از جهان فرو بست. نک: عبدالکریم مدرس، پیشین، ص ۷۳ - ۸۴.

۲. این منظومه اثر سید عبدالرحیم بن ملا سعید بن ملا یوسف بن ملا ابوبکر مصنفی چوری که منتسب به سید محمد زاهد معروف به پیر حذر شاهو است. تخلص وی «به دوومی» بوده و در فرهنگ ادبیات کردی به مولوی مشهور شده است. در ۱۲۲۱ ق. در «تاوه گوز» کردستان عراق متولد شد و در ۱۳۰۰ ق. دار فانی را وداع کرد. از جمله کتاب‌های او *الفضیلة والعقیده المرضیه* است. به نقل از: <http://WWW.Sarvabad.Gov.ir>.

۳. ضیاءالدین ابوالبهاء مولانا ذی‌الجناحین شهرزوری نقشبندی، فرزند احمد حسینی سلیمانیه‌ای از عشیره میکائیلی جاف است و سال تولد او را برخی ۱۱۹۲ ق. و بعضی دیگر ۱۱۹۳ ق. نقل کرده‌اند. وی در قصبه قره داغ در شهر سلیمانیه متولد شد. از بزرگان طریقه نقشبندیه است از جمله کتاب‌های او می‌توان به *العقد الجوهری فی الفرق بین کسبی‌الماتریدی و الأشعری* اشاره کرد. نک: بابا مردوخ روحانی (شیوا)، پیشین، ص ۲۹۶، ۲۹۷ و ۳۰۷.

۴. شیخ عمر شهیر به ابن القره داغی بن شیخ محمد امین بن شیخ معروف به شیخ عمر (هومر) بن شیخ عبداللطیف کبیر ابن شیخ معروف در سال ۱۳۰۳ ق. در شهر سلیمانیه متولد شد و در سال ۱۳۵۵ ق. دنیا را بدورد گفت. از جمله تألیفات او *حاشیه بر تهذیب الکلام، حاشیه بر تشریح الافلاک و اشکال التأسیس* می‌باشد. نک: عبدالکریم مدرس، پیشین، ص ۳۰۹ و ۳۱۱.

۵. دوران ۲۳ ساله حضور عبدالکریم در بیاره یکی از درخشان‌ترین دوران زندگی او به شمار می‌رود و در این مدت شخصیت علمی - اخلاقی او شکل گرفت و به رشد و تعالی علمی - اخلاقی رسید. وی بارها در تألیفاتش از این دوره به نیکی یاد می‌کند.

مهاجر را سماع نمود. او در فقه، *المنهاج*^۱ و شرح آن از قاضی زکریا را خواند و مبحث خُلع را از تحفه ابن حجر هیثمی به اتمام رساند؛^۲ به علاوه از اخلاق والا، عزت نفس، قناعت و اعتماد بر خدای آن استاد، توشه‌ها برگرفت. این ملاقات در شکل‌گیری شخصیت علمی - اخلاقی وی تأثیرات فراوانی داشت.

ملا عبدالکریم در ماه شعبان ۱۳۴۳ق. در مجلسی که با حضور عالمان بزرگی از کردستان چون شیخ باباعلی تکیه‌ای،^۳ شیخ محمد نجیب قره‌داغی، شیخ جلال قره‌داغی،^۴ شیخ معروف قره‌داغی (برادر استاد)، خود استاد و تعدادی از دوستانشان برگزار گردید به دریافت اجازه علمی نایل آمد.

این اندیشمند کُرد، به همراه چند نفر از طلاب فاضل به روستای «ترگسه جار»، که در نزدیکی حلبچه قرار داشت و دوست فاضلش شیخ صدیق بن شیخ معروف، خلیفه شیخ علاءالدین در آنجا ساکن بود رهسپار شد و به تعلیم و تربیت طالبان دانش و جویندگان بینش اشتغال یافت. این حضور تا سال ۱۳۴۸ق. ادامه داشت تا اینکه از سوی شیخ علاءالدین به تدریس در مدرسه خانقاه بیاره دعوت شد. او پذیرفت و در بیاره به تعلیم و تدریس مشغول گردید.

در بیاره علاوه بر استفاده از کتاب‌های گران‌سنگی که در کتابخانه مدرسه بیاره موجود بود از محضر دانشمندانی که به زیارت شیخ علاءالدین می‌آمدند بهره می‌برد.

مدرس گران‌مایه، در زندگی‌نامه خود نوشت خویش چنین آورده است: «تمام این نعمات بزرگ برای من موجود بود، به اضافه برکات محاسن شریفه نبویه - بر صاحب آن درود و سلام

۱. این کتاب، اثر ابوزکریا یحیی بن شرف‌الدین بن حسن خرامی دمشقی حورانی نووی، ملقب به محیی‌الدین از علمای شافعی قرن هفتم است، و اسم کامل این کتاب *منهاج الطالبین و عمدة المقتبین* است. نک: محمد ملکی، پیشین، ص ۴۵۳.

۲. نام کامل این کتاب *تحفة المحتاج فی شرح المنهاج* است. نک: همان، ص ۴۵۳.

۳. شیخ نبیل باباعلی بن شیخ علی الملاتکیه‌ای از نسل امام حمزه از اولاد امام موسی کاظم - علیه السلام - در روستای تکیه از توابع قره داغ در سال ۱۲۷۵ ش. متولد شد. بعد از عمری تلاش علمی - اخلاقی در سال ۱۳۵۹ ه. در سلیمانیه درگذشت. نک: عبدالکریم مدرس، پیشین، ص ۹۲.

۴. شیخ جلال بن شیخ عبداللطیف بن شیخ عبدالله بن شیخ عثمان بن شیخ عبداللطیف کبیر بن شیخ معروف «ده ره قولی» در سال ۱۲۹۵ق. در قره داغ متولد شد و بعد از سال‌ها تلاش علمی در مسجد حاج عزیز خیاط سلیمانیه به تدریس و امامت پرداخت. او عالمی فاضل و زاهدی گوشه‌گیر بود. در سال ۱۳۵۰ ق. چشم از جهان فروبست. نک: همان، ص ۱۰۹ - ۱۱۰.

باد - که در اتاقی خاص در بیاره موجود بود، به علاوه برکات صاحب‌دلان و دارندگان ارواح لطیفه و انفاس شریفه موجوده در آنجا که نسیم شادمانی و سعادت دارین از آنها استشمام می‌شد و به اضافه بر اینها فراغ قلب و نشاط روحی که با توفیق خدای بزرگ برای من میسر شده بود آن‌چنان که برای امثال من در سن من، میسر نبود و اینها همه رحمت و لطف و برکت از خدای بزرگ و پاک و منزّه بود، پس ستایش برای این نعمت‌های بزرگ و چشم‌گیر، سزاوار است؛ ستایشی که شکر الطاف او را وفا کند و ازدیاد جود و کرمش را تلافی نماید.»^۱

بعد از ورود به بیاره، مورد توجه خاص شیخ علاء‌الدین قرار گرفت، چرا که او با هر چه که در توان داشت طلاب را یاری می‌نمود. مدرس فاضل، در خانقاه بیاره به تدریس و تربیت طلاب مشغول شد و در این مدت (۱۳۴۸ - ۱۳۷۱ ق.) تقریباً ۴۵ نفر در محضر او به نهایت درجه علمی و به اصطلاح به آخرین ماده رسیدند و موفق به دریافت اجازه شدند و در نقاط مختلف شروع به تدریس کردند.

ملا عبدالکریم در رجب ۱۳۷۱ ق. به شهر سلیمانیه رفت و در مسجد حاجی خان در ملکندی به تدریس پرداخت و به کارهای علمی - دینی خویش ادامه داد و مورد احترام اهالی آنجا قرار گرفت. اما در سال ۱۳۷۴ ق. همان طوری که خودش می‌فرماید: «تدبیر ما چیزی خواهد و تقدیر خدا چیزی دیگر»^۲ عازم شهر کرکوک شد و در تکیه حاج شیخ جمیل طالبانی مسکن گزید و به تدریس فقه و اصول فقه برای دو پسر شیخ، یعنی شیخ علی و شیخ عبدالرحمن مشغول شد و مورد ارادت و احترام خاص شیخ و فرزندانش قرار گرفت.

ملا عبدالکریم در کرکوک اقامت داشت تا اینکه در سال ۱۳۸۰ ق. مدرس بزرگ شیخ محمد قزلچی^۳، که مدیر و سرپرست مدرسه عبدالقادر گیلانی در بغداد بود، وفات کرد. در پی رحلت قزلچی او به بغداد رفت و درخواست امامت در بغداد را کرد و بعد از موفقیت در آزمون به امامت جامع/حمده برگزیده شد و از آنجا نامه‌ای جهت تدریس در مدرسه عبدالقادر گیلانی فرستاد و بعد از موفقیت در امتحان در جامع عوثیه، چنان که آرزویش بود، به تدریس پرداخت و جمع کثیری از جویندگان دانش را از خرمن علمش بهره‌مند ساخت وی در سال ۱۳۸۸ ق. رهسپار حج

۱. همان، ص ۲۳۹ - ۲۴۰.

۲. همان، ص ۲۴۱.

۳. ملا محمد بن ملا حسین بن ملا علی قزلچی در سال ۱۳۱۰ ق. متولد شد و در ۱۳۸۰ ق. فوت کرد و در مقبره عمومی اعظمیه دفن شد. نک: همان، ص ۳۹۱.

شد و در طول سفر از احترام و تجلیل دانشمندان و مردم برخوردار بود. این مدرس توانا در سال ۱۳۹۳ق. بازنشسته شد، ولی بزرگان و علما و نقیبان عالی مقام اولاد شیخ عبدالقادر او را مورد احترام قرار دادند و از او خواستند در محل خود در آستانه گیلانی برای فتوا دادن و راهنمایی مسلمانان و اقامه نمازهای ظهر و عصر بماند، وی درخواست آنها را پذیرفت و در جامع شیخ عبدالقادر اقامت گزید و به وعظ و ارشاد مسلمانان پرداخت. در ایام واپسین زندگی در بغداد به تحقیق و نشر آثار خویش با همکاری فرزندان محمد ملا کریم، فاتح ملا کریم و استاد محمدعلی قره داغی مشغول شد.

«این اندیشمند فرزانه پس از سال‌ها خدمات علمی - دینی در اواخر رجب سال ۱۴۲۶ق. (۸ شهریور ۱۳۸۴ش.) در ۱۰۳ سالگی به سرای باقی شتافت.»^۱ فوت این عالم ربانی، موجی از اندوه را به ویژه در مناطق کردستان برانگیخت و واکنش‌هایی نیز از جانب شخصیت‌ها و گروه‌های مختلف به خصوص در محدوده کردستان عراق به دنبال داشت؛ از جمله می‌توان به پیام‌های جلال طالبانی، رئیس جمهور عراق و مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان و نیز حزب اتحاد اسلامی کردستان اشاره نمود.^۲

این دانشمند نستوه علاوه بر تربیت شاگردان فاضل، آثار و تألیفاتی نیز به جهان علم و دانش عرضه داشت، از جمله آنها می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

۱. رساله شمشیر کاری بر فرق نسیم رستگاری: در رد کسانی که تقلید و اجتهاد را انکار می‌نمایند (فارسی).

۲. رساله ایمان و اسلام: (کردی).

۳. رساله اساس السعاده: در آداب اسلام و ارکان ایمان (کردی).

۴. رساله ثاوی حه یات (رساله آب حیات): در تاریخ پیامبران بزرگ و احوال ایشان (کردی).

۵. چلچرای اسلام: چهل حدیث شریف پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - و تفسیر آن (کردی).

۶. نور و نجات: در مدح حضرت سرور کاینات و یاران او و صفات مبارک و شریف آنان (کردی).

۷. مولودنامه و معراج‌نامه: درباره میلاد پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - و معراج آن

۱. نک: سایت www.Islahweb.org

۲. همان.

- حضرت (کردی).
۸. دو رشته منظومه به شکل قاموس: (عربی - کردی).
 ۹. بهار و گلزار: در ارشاد و حکمت و ادب و تفسیر بعضی آیات و احادیث شریف، به نظم و نثر (کردی).
 ۱۰. و تازی ثابینی بوروژانی هه ینی: خطابه‌های عربی با شرح و توضیح (کردی).
 ۱۱. بارانی ره حمه ت: دربارهٔ مباحث اعتقادی و اصول و آموزه‌های دینی (کردی).
 ۱۲. یادی مه ردان (یادی از مردان)، ج ۱: در شرح حال و آثار مولانا خالد ذی‌الجناحین نقشبندی نگاشته شده است (کردی).
 ۱۳. یادی مه ردان (یادی از مردان)، ج ۲: در شرح حال شیخ عثمان سراج‌الدین طویلی و چهار پسر او و نواده‌هایش (کردی).
 ۱۴. شرح دیوان مه و له وی (دیوان مولوی): در شرح غزلیات ادبی شاعر کُرد، سید عبدالرحیم معروف به مولوی، در تصوف و آنچه همانند آن است (کردی).
 ۱۵. شرح دیوان نالی: تصحیح و شرح دیوان شاعر کرد «نالی». (کردی).
 ۱۶. شرح دیوان محوی: تصحیح و شرح دیوان شاعر کرد «محوی» (کردی).
 ۱۷. شرح دیوان فه‌قی قادر همه‌وندی: تصحیح و شرح دیوان شاعر کرد «فه‌قی قادر همه‌وندی» (کردی).
 ۱۸. اقبالنامه: کتابی منظوم در حکمت (کردی).
 ۱۹. کتاب صرف الواضح: در علم صرف برای مبتدیان زبان عربی (عربی).
 ۲۰. کتاب مفتاح الآداب: در علم نحو برای مبتدیان زبان عربی (عربی).
 ۲۱. کتاب خلاصة البیان: در علم وضع و بیان از علوم بلاغت.
 ۲۲. کتاب المفتاح: در علم منطق.
 ۲۳. کتاب الورقات: در علم منطق.
 ۲۴. کتاب الغریزه: در علم منطق.
 ۲۵. کتاب الوجیهه: در علم منطق.
 ۲۶. المقالات فی المقولات العشرة: در علم منطق و فلسفه.
 ۲۷. جواهر الفتاوی، سه جلد: حاوی فتاوی علمای مذهب شافعی کردستان در سده‌های اخیر در احکام فقهیه نگاشته شده است.

۲۸. کتاب *الوسيلة في شرح الفضيحة*: این کتاب شرح بر منظومه «فضیله» اثر شاعر کرد سید عبدالرحیم معروف به مولوی در اصول عقاید است، که مجموع اشعار آن ۲۰۳۱ بیت است.
۲۹. کتاب *مواهب الحميدة في حل الفريضة*: این کتاب شرحی بر منظومه *الفريضة* جلال‌الدین سیوطی است.
۳۰. کتاب *نور القرآن*: درباره تاریخ قرآن، تجوید و آنچه به این علوم تعلق دارد به صورت نظم و نثر تدوین شده است.
۳۱. کتاب *حجج‌نامه*: در آداب مناسک حج به نثر و نظم است. این اثر را عبدالعزیز واعظی سردشتی به فارسی برگردانده است.
۳۲. کتاب *شرح منظومه العقيدة المرضية*: این کتاب شرحی بر منظومه *العقيدة المرضية* اثر سید عبدالرحیم مولوی در اصول اعتقادات و مبانی فکری اهل سنت و جماعت است.
۳۳. کتاب *شه ما مهی بین دار*: در پند و اندرز (کردی).
۳۴. شرح *دیوان ملا مصطفی بیسارانی*: (کردی).
۳۵. کتاب *پیروان*: در شرح حال خلفای مشهور حضرت شیخ عثمان سراج‌الدین نقشبندی و اولاد او نگاشته شده است (کردی).
۳۶. کتاب *بنه مال‌هی کانی کوردستان* (خاندان‌های علمای کُرد): در شرح حال خاندان‌های علم و فضیلت کوردستان نگاشته شده است (کردی).
۳۷. کتاب *نور الإسلام*: درباره آداب و امور اعتقادی که هر مسلمان لازم است بداند، نوشته شده است (عربی).
۳۸. کتاب *علمائنا في خدمة العلم والدین*: در شرح حال دانشمندان و مشاهیر کُرد، نگاشته شده و توسط احمد خواری نسب، تحت عنوان «*دانشمندان کرد در خدمت علم و دین*» به فارسی برگردانده شده است (عربی).
۳۹. کتاب *ته فسیری نامی* (۹ جلد): تفسیر قرآن کریم (کردی).
۴۰. *شه ریعتی نیسلام* (۴ جلد): (کردی). این اثر دوره کامل فقه شافعی است و بر اساس اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع فقه شافعی همچون *تحفة المحتاج* ابن حجر هیشمی، فتح *الوهاب* قاضی، زکریا انصاری، حاشیه شیخ سلیمان الجمل بر شرح *منهاج*، و *بغیة الطالبین* (از مفتی دیار حصرمی) تدوین و تألیف شده است. جلد اول، شامل اصول عقاید اهل سنت و جماعت، کتاب طهارت، صلات، صلاة الجماعة، جنایز، زکات، صیام، اعتکاف، حج،

قربان و برخی دیگر از آداب و سنن اجتماعی بر اساس فقه شافعی است، تألیف این اثر در روز دوشنبه روز عرفه نهم ذی الحجة سال ۱۳۷۸ق. در تکیه طالبانی در شهر کرکوک به اتمام رسید. «کوری زایناری کورد» (انجمن علمی پژوهی کُرد) این کتاب را به سال ۱۹۷۶م. در بغداد چاپ کرد.

۴۱. دیوان سالم: شرح توضیح و تصحیح دیوان سالم (کردی).

۴۲. الوردة العنبرية في سيرة حضرة خير البرية.

۴۳. مواهب الرحمن في تفسير القرآن در ۸ جلد (عربی).

۴۴. الأنوار القدسية في الأحوال الشخصية.

۴۵. الرحمة في المنطق والحكمة. ^۱

۴۶. جواهر الكلام في عقاید اهل الإسلام.

در پایان، تذکر این نکته بایسته است که در سوم خرداد ۱۳۸۵ش. کنگره علمی - پژوهشی ماموستاد عبدالکریم مدرس بیاره‌ای، در دانشگاه کردستان با حضور ائمه جمعه و جماعات استان کردستان و دیگر اندیشمندان برگزار شد.^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. عبدالکریم مدرس، پیشین، ص ۲۴۲ - ۲۴۴ و نک: سایت